

## بررسی انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در غزلیات حافظ با رویکرد سبک‌شناسی شناختی

پروین دخت مشهور<sup>۱</sup>

محمد فقیری<sup>۲</sup>

### چکیده

نظریه نقش‌گرایی هلیدی از مبنای نقشی - معنایی برخوردار است و نقش اندیشگانی آن چگونگی شکل‌گیری و بازنمایی تجربه‌های انسان را از طریق نظام گذرایی بیان می‌کند. هدف این تحقیق کشف دنیای تجربی حافظ بوده و فرضیه آن این است که از طریق فرایندهای نقش اندیشگانی می‌توان میزان ذهنی یا عینی بودن غزلیات را دریافت. پیکره تحقیق شامل ۵۴۱۲ فعل است که بر مبنای نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مقدار دنیای روابط انتزاعی، خودآگاهی و مادی حافظ به ترتیب ۳۱/۵٪، ۳۲/۵٪ و ۳۶٪ می‌باشد. همچنین فرایندهای اسنادی و هویتی در حافظ ۹۳٪ به ۷٪ بوده است. می‌توان از یافته‌های مذکور استنباط کرد که دنیای روابط انتزاعی و خودآگاهی تقریباً برابر بوده است و با همدیگر، از دنیای روابط فیزیکی، کنش‌ها، عمل‌ها و حرکات بیشتر بوده است و فضای ذهنی - انتزاعی از فضای کنشی و عینی بیشتر است. همچنین روابط انتزاعی اکثراً از نوع ساده اسنادی بوده است و هویت بخشی خیلی کم مورد توجه بوده است.

### کلید واژه‌ها:

تجربه، نقش، مادی، رابطه‌ای، ذهنی، اسنادی، هویتی

۱ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور - ایران. (نویسنده مسئول)  
Mashhoor@yahoo.com

۲ - استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران - ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۷

تاریخ وصول: ۹۴/۰۵/۱۷

### درآمد

سبک‌شناسی روشی علمی برای دست یافتن به ویژگی‌های سبکی یک فرد، گروه، دوره یا یک مکتب است. این ویژگی‌ها ممکن است شیوه بیان، اندیشیدن، شگردهای زیبایی‌شناختی و عناصر بارز و پربسامد یک اثر باشد. سبک‌شناسی دارای رویکردهای **متفاوتی است**؛ فتوحی این رویکردها را به چهار رویکرد سنتی، زبان‌شناختی، رویکرد برآمده از نظریه‌های ادبی و رویکرد رایانه‌ای تقسیم کرده است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۸۹).

سبک‌شناسی شناختی یکی از رویکردهای زبان‌شناختی است که به دنبال کشف معانی، مفاهیم و دنیای ذهنی نویسنده است. از طریق این گرایش سبک‌شناسی می‌توان به دنیای تجربی صاحب اثر دست یافت. ما تجربه‌های متفاوتی از جهان هستی داریم که عبارت است از کنش، رابطه، تصور، گفتار، رفتار و موجودیت چیزی که از طریق حواس پنجگانه گویایی، بویایی، چشایی، بینایی و لامسه دریافت می‌کنیم و از طریق فعل‌های مادی، رابطه‌ای، ذهنی، بیانی، رفتاری و وجودی بیان می‌کنیم. از این‌رو سبک‌شناسی شناختی به دنبال کشف دنیای تجربیات افراد با استفاده از کدها یا کلمات است. زبان‌شناسی شناختی<sup>۱</sup> نیز که از مباحث زبانی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ سرچشمه می‌گیرد، به دنبال کشف تصویر ذهنی<sup>۲</sup> است که بیان‌کننده تجربیات مستقیم و غیرمستقیم ما از جهان است که به طور طرح‌واره تصویری<sup>۳</sup> در ذهن تبلور می‌یابد. این تصور که برآمده از تجربیات گوناگون است به تصور گونه‌مادر پالایش یافته<sup>۴</sup> تبدیل می‌شود که به آن مدل شناختی پالایش یافته<sup>۵</sup> می‌گویند. (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲: ۴۰).

در معنی‌شناسی شناختی<sup>۶</sup> معنا عبارات ذهنی تلقی می‌شوند که به ساختار شناختی مربوط می‌شوند؛ در این رویکرد<sup>۷</sup> معماری شناخت بشر بر عهده مفاهیم است. "معنا در سطح مفهومی<sup>۷</sup> توسط

1 - Cognitive linguistics

2 - Mental picture

3 - Image schema

4 - Idealized prototypical image

5 - Idealized cognitive model

6 - Cognitive semantics

7 - Conceptual level

فرایند معناسازی<sup>۱</sup> یا مفهوم سازی ساخته می شود، بوسیله مکانیسم ساختار بندی مفهومی<sup>۲</sup> شناخته می شود و توسط فرایند بازنمایی شناختی<sup>۳</sup> رمزگذاری می گردد (همان: ۳۳ و ۴۱). در نتیجه ساختار مفهومی از طریق تجربه جهان بیرون شکل می گیرد و در قالب نشانه های زبانی بازنمایی می گردد. تز شناخت بدنمند<sup>۴</sup> در قلب تحقیقات زبانشناسی شناختی قرار می گیرد و ساخت مفهومی<sup>۵</sup> بر تجربه حسی استوار است و نظام مفهومی و شناختی ما حاصل تجربه جهان بیرون است. (Vyvyan and Green، ۲۰۰۶: ۲۸-۲۷) گیریتس بر این باور است که معنی حاصل تجربه است و پدیده ای نه تنها ذهنی بلکه فیزیولوژیک بوده و بافت فرهنگی و اجتماعی نیز بر آن تاثیر می گذارد (Geeraert، ۲۰۰۶: ۵).

در نظریه نقش گرایی هیلیدی معنا در بافت فرهنگی اجتماعی از طریق نظام گذرایی<sup>۶</sup> در جهان بیرون تجربه گردیده و قالب نمادهای زبانی بازنمایی می گردد. از این رو با زبانشناسی شناختی در ماهیت، شیوه ادراک و بازنمایی زبان دارای وجوه مشترکی هستند. ویوین و گرین معتقدند که زبانشناسی شناختی ماهیتا<sup>۷</sup> نقش گرا است و در عین حال کفایت توصیفی صورتگرایی را مورد توجه قرار می دهد و مانند نقش گرایی بافت در آن اهمیت ویژه ای دارد. (Vyvyan and Green، ۲۰۰۶: ۷۷۸)

سبک شناسی شناختی نیز بر مفهوم سازی در هنگام خوانش متن توجه می کند. این رویکرد قسمتی از جریان پیشرفت طبیعی سبک شناسی مدرن است که باعث چرخش شناختی<sup>۸</sup> در آن شده و تاثیر زیادی بر جهت گیری آن در قرن بیستم داشته است. سبک شناسی در آغاز از تحلیل های زبانشناسی برای تفسیر متون ادبی استفاده می کرد و روش ها و تکنیک های ترکیبی<sup>۹</sup> را به کار می برد ولی به فرایندهای ذهنی خواننده توجه نمی کرد اما سبک شناسی شناختی یا بوطیقا ضمن استفاده از روش های تحلیلی سعی می کند رابطه بین ذهن انسانی و فرایند خواندن را نیز روشن سازد. سبک

- 
- 1 - Meaning construction process
  - 2 - Conceptual structuring mechanism
  - 3 - Cognitive representation
  - 4 - Embodied cognition thesis
  - 5 - Conceptual structure
  - 6 - Transitivity system
  - 7 - In spirit
  - 8 - Compositional techniques
  - 9 - Cognitive poetics

## بررسی انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در غزلیات حافظ...

شناسان شناختی بر این باورند که اثر ادبی در هنگام خوانش مفهوم سازی می شود اما این خوانش نیازمند همه روش‌ها و مدل‌های تحلیل متن می باشد. (Simpson، ۲۰۰۴، ۳۸-۳۸).

مسئله اساسی این تحقیق کشف دنیای تجربی حافظ در غزلیات وی می باشد. برای دست یافتن به ایده مهم، نقش اندیشگانی نظریه نظام‌مند هلیدی انتخاب شده است که می تواند بیانگر دنیای تجربی یک فرد باشد. این جهانی‌های فکری از طریق شش نوع فعل یا فرایند اصلی رابطه‌ای، ذهنی (خودآگاهی) و کنشی و سه فرایند فرعی رفتاری، بیانی و وجودی قابل کشف است.

هدف کلی این مقاله کشف دنیای ذهنی، انتزاعی و عینی حافظ و بررسی کارایی سبک شناسی نقش‌گرا در تحلیل یک اثر ادبی است و هدف ویژه آن مقایسه فرایندهای اصلی مادّی، خودآگاهی و رابطه‌ای فرایندهای فرعی بیانی، رفتاری و وجودی در غزلیات حافظ می باشد. فرضیه تحقیق این است که با بررسی فرایندهای نقش اندیشگانی می توان به دنیای ذهنی، انتزاعی و عینی دستور تجربی غزلیات حافظ دست یافت و میزان ذهنی و عینی بودن و انتزاعی بودن غزلیات را نشان دهد. متغیرهای رابطه‌ای اسنادی و هویتی می تواند میزان هویت بخشی یا اسنادی بودن فرایندهای رابطه‌ای را نشان دهد.

### مبانی نظری

مبانی نظری این تحقیق نقش‌گرایی هلیدی می باشد که الگویی مناسب برای سبک‌شناسی است؛ زیرا که تحلیل‌های دستور نظام‌مند بر دو سطح «شناخت» و «ارزیابی و قضاوت» استوار است. «در سطح شناخت با توصیف و تحلیل‌های زبان‌شناختی به چگونگی روابط متن پرداخته می شود و در سطح ارزیابی چرایی وجود یک متن مطرح می گردد؛ این که یک متن مؤثر برای اهداف ما چگونه پدید می آید، متن مناسب و نامناسب کدام است و این که چقدر موفق و ناموفق است» (Halliday، ۱۹۹۴، XV).

نظریه هلیدی همه زبان‌ها بر اساس سه معنای بنیادی سازماندهی می شوند: معنای اندیشگانی یا انگاره‌ساختی<sup>۱</sup>، معنای بینافردی<sup>۲</sup> و معنای متنی<sup>۳</sup>. نقش یا معنای اندیشگانی بازتاب تجربه ما از واقعیت واقعیت است. این تجربیات که شامل رویدادهای اتفاق افتادن، انجام دادن، احساس کردن، معنی دادن،

<sup>۱</sup> - Ideational

<sup>۲</sup> - Interpersonal

<sup>۳</sup> - Textual

منظور داشتن، بیان کردن، بودن، شدن و ... می‌باشد در سه محور اصلی و سه محور فرعی در ذهن اتفاق می‌افتد. سه محور اصلی شامل محور کنشی<sup>۱</sup> یا دنیای روابط مادی<sup>۲</sup> است که از طریق آن کنش‌ها و رخدادهایی که تجربه کرده‌ایم بیان می‌کنیم. در محور حسّی<sup>۳</sup> یا دنیای خودآگاهی<sup>۴</sup> تجربه‌های فکرکردن، احساس کردن، دیدن و شنیدن را که در ذهن اتفاق می‌افتد بیان می‌کنیم. محور روابط انتزاعی<sup>۵</sup> نیز ارتباطات گوناگون اسنادی، موقعیتی و مالکیت را میان عناصر زبانی بیان می‌کند.

ما از طریق نظام گذرایی<sup>۶</sup> پدیده‌های هستی را تجربه می‌کنیم و یک نظام معنایی در ذهن پدید می‌آوریم و سپس از طریق همین نظام با استفاده از نشانه‌ها و گزاره‌های زبانی به بیان نظام معنایی خودمان می‌پردازیم. در واقع نظام گذرایی فرایندی دو سویه بوده و تأثیر انسان را از محیط و بر محیط نشان می‌دهد. نقش اندیشگانی از طریق این نظام گذرایی اتفاق می‌افتد. ما از طریق نظام گذرایی دنیا و پدیده‌های آن را تجربه می‌کنیم و از طریق آن با استفاده از فعل‌های گوناگون رابطه‌ای، کنشی، ذهنی، بیانی، وجودی و رفتاری باز می‌تابانیم. نقش اندیشگانی که در قالب این فعل‌ها اتفاق می‌افتد بیانگر دنیای انتزاعی، ذهنی و عینی یک اثر یا نویسنده می‌باشد.

### پیشینه تحقیق

خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، بی‌گمان، از نام آورترین و محبوب‌ترین سخن‌سرایان فارسی است که نه تنها در ایران بلکه در جهان شهرتی سزاوار یافته است. زندگی حافظ - مانند بسیاری از بزرگان - به درستی روشن نیست. حتی از پاره‌ای جهات، ابهام بیشتری از اقرانش دارد. به قول زرین کوب: "شاعر شیراز، در یک عمر که به پیرانه سر نیز رسید، چنان رندانه زیست که نه رد پای درستی از خود باقی گذاشت، نه سرگذشتی که سایه او باشد. آن روشنی که یک اثر هنری را آینه احوال هنرمند می‌کند، در شعر او نیست و از سرگذشت او نیز آن قدر کم در شعرش رسوب کرده

1 - Doing

2 - Physical world

3 - Sensing

4 - World of consciousness

5 - World of abstract relations

6 - Transitivity system

## بررسی انواع فرایندهای نقش‌اندیشگانی در غزلیات حافظ...

است که از خلال این اشعار، نمی‌توان سیمای واقعی او را به درستی طرح کرد. "روایات تذکره نویسان هم در این باب نه کهنه است و نه اعتماد کردنی. بیشتر قصه‌هایی است که فقط طبع افسانه جوی خیال پرستان را قانع می‌کند و ظاهراً آن همه را برساخته اند تا بعضی نکته‌های مبهم و اسرار آمیز را که در شعر وی هست تفسیر کرده باشند" (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۲-۱۱).

دیوان حافظ، سال‌ها پس از او تدوین گردیده و غزلیاتش نیز به گونه‌ای سروده شده که بازگو کننده زندگی شخصی او نیست: "دیوان حافظ نیز سال‌ها پس از درگذشتش گردآوری شده و سامان یافته است. از نسخه‌های دست نویس دیوان حافظ هیچ یک در زمان او نوشته نشده و هیچ دست خطی از خود او برجای نمانده است. این گونه است که استوارترین و ارزشمندترین سند شناخت حافظ - یعنی سروده‌های او - به دلیل ابهام و ایهام‌های فراوان - گواهی بی‌چون و چرا و سندی قطعی نمی‌تواند باشد." (حسن لی، ۱۳۸۵: ۲۲) - زندگی شخصی حافظ کاملاً مبهم و بیشترین گفته‌ها و نوشته‌ها زاییده گمانه زنی‌ها و خیال پردازی راویان است.

یکی از وجوه بارز حافظ روحیه انتقادی وی از اوضاع اجتماعی و فضای ایدئولوژیکی و عصر خودش می‌باشد که به صورت مفاهیم، مقوله‌ها و قضایا در قالب یک پارادایم فکری بازنمایی شده که متقابل تفکر مسلط اجتماعی - سیاسی زمانش بوده است.

بیزاری از زهد ریایی و نفاق از درون مایه‌های اصلی شعر حافظ است. او با سرسختی و بی‌باکی، انزجار خود را از "زاهدان ظاهر پرست"، "صوفیان حقه باز"، "زهد فروشان گران‌جان" و "خرقه پوشان" دروغین ابراز می‌کند. کوس رسوایی "واعظان منبرنشینی" را که کردارشان ناقض گفتارشان است به صدا درمی‌آورد و هشدار می‌دهد که "آتش زهد ریا خرمن دین خواهد سوخت". ابیات زیر، نمونه‌هایی هستند که، ستیز و مقابله او را با ریاکاران دین فروش نشان می‌دهد:

واعظان کاین جلوه درمحراب و منبر می‌کنند  
مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس

چون به خلوت می‌رسند آن کار دیگر می‌کنند  
توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند...

(همان: ۱۴۲)

"رند" و "رندی"، به مفهومی که مراد حافظ است، از بر ساخته‌های او و خاص خود اوست. نه قبل از حافظ و نه بعد از وی، "رند" و "رندی" به این شیوه و با این بار معنایی کاربرد نداشته است. از دیگر ویژگی‌های شعر حافظ، گرایش ملامتی او، توجهش به طبیعت و کاربرد چشمگیر آب، انواع گل‌ها، سبزه، صحرا و... در غزل‌هایش، پرداختن به صورت‌های فلکی و حضور پر بسامد آن‌ها در سراسر دیوان، نیز قابل تأمل است.

"جبرگرایی" حافظ، از دیگر تفاوت‌های غزلش با غزل سعدی است. رابطه و نسبت مستقیم بین جبرگرایی و گرفتار شدن در بن بست ناگزیر خفقان، زورگویی و تحمیل و تحمّل شرایط ناخواسته و دردناک انکارناپذیر است. قرن هشتم چنین قرنی است و حافظ شاهد عینی آن است. قرن سعدی - با این که خالی از مشکل نیست - با فارس حافظ بسیار فرق دارد. مضافاً به این که سعدی سال‌های زیادی را دور از شیراز و مشکلات احتمالی آن زندگی کرده است. سعدی - مانند هر مسلمان دیگر - مشیت خداوند را باور دارد. اما این باور جبرپذیری حافظ و سفارش به قبول سرنوشت محتوم دیده نمی‌شود. جبرگرایی محسوس حافظ را در ابیات زیر به روشنی می‌توان دید:

رضا به داده بده وز جبین گره بگشای      که بر من و تو در اختیار نگشادست

(دیوان حافظ: ۲۷)

چو قسمت ازلی بی حضور ما کردند      گراندکی نه به وفق رضاست، خرده مگیر

(همان: ۱۸۴)

جام می و خون دل، هر یک به کسی دادند      در دایره قسمت، اوضاع چنین باشد

(همان: ۱۱۵)

مواد و روش کار (روش تحقیق)

از نظر روش، نوع مطالعه کاربردی، از نوع شناسی چند رشته‌ای روش‌های ترکیبی<sup>۱</sup> تشکری و تدلی است که طرح ترکیبی موازی (همزمان)<sup>۲</sup> و تبدیلی<sup>۱</sup> برای تحلیل انتخاب شده است به

<sup>۱</sup> - Mixed method multi-strand design

<sup>۲</sup> - parallel(concurrent) mixed design

## بررسی انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در غزلیات حافظ...

گونه‌ای که در هنگام خوانش نوع فرایندهای نقش اندیشگانی داده‌ها به صورت کیفی تعیین شده و در همان لحظه به طور همزمان تبدیل به داده‌های کمی می‌شده است (Tashakkori and Teddlie، ۲۰۰۳: ۶۸۵). ابزار گردآوری داده‌ها فرم‌هایی است که انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در آن درج شده است و برای هر غزل یک فرم مخصوص تهیه شده است به گونه‌ای که هر زمان امکان مراجعه و مذاقه صحت و سقم بررسی و تحلیل ممکن باشد. در سمت چپ این فرم شماره و نام متغیر در دو ستون ذکر می‌گردد، در زیر نام متغیر ۲۵ متغیر اندیشگانی در داخل جدول‌هایی با همین تعداد قرار می‌شود. در جلوی این ستون ۲۵ ستون متوالی قرار می‌گیرد که شماره ۱ تا ۲۵ بر بالای آن نوشته می‌شود که می‌تواند تعداد فعل‌های هر غزل را نشان دهد. در سمت راست این فرم تعداد کل هر متغیر نیز ثبت می‌شود. بعد از آن تعداد کل هر متغیر از هر غزل روبروی آن ثبت گردیده و سپس وارد نرم‌افزار SPSS می‌گردد تا تحلیل نهایی روی آن صورت گیرد.

جامعه آماری مجموع غزلیات حافظ است و پیکره یا نمونه شامل ۵۴۱۲ فعل از آن بوده که با روش نمونه‌گیری سیستماتیک می‌باشد. واحد نمونه غزل و واحد تحلیل فعل (فرایند) است و شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها روش ترکیبی (کیفی، کمی) است. نحوه محاسبه تشخیص کیفی و تحلیل کمی است. تکنیک‌های مورد نظر نیز تکنیک‌های آماری شامل بسامد و درصد است. متغیرهای تحقیق نیز انواع فرایندهای اصلی و فرعی نقش اندیشگانی است که از نمودار نقش‌های اندیشگانی هلیدی گرفته شده (Halliday، ۲۰۰۵: ۱۷۲) و در جدول ذیل مشخص گردیده و نمونه‌هایی از دیوان حافظ برای هر فرایند داده شده است.

<sup>1</sup> - Conversion mixed design



- کنشی <sup>۲</sup>		انواع فرایند مادی <sup>۱</sup>	فرایندهای اصلی	فرایندهای نقش اندیشگانی زبان در دستور نظام مند هلبیدی
- رخدادی <sup>۳</sup>				
- خلاق <sup>۴</sup>				
- گشتاری <sup>۵</sup>				
- عینی <sup>۶</sup>				
- انتزاعی <sup>۷</sup>				
- گذرایی کنشگر <sup>۸</sup>				
- گذرایی پذیرا <sup>۹</sup>				
- ارادی <sup>۱۰</sup>				
- غیر ارادی <sup>۱۱</sup>				
فرایند ذهنی <sup>۱۲</sup>				
اسنادی <sup>۱۵</sup>	تأکیدی <sup>۱۴</sup>	فرایند رابطه‌ای <sup>۱۳</sup>		
	ملکی <sup>۱۷</sup>			
هویتی <sup>۱۶</sup>	موقعیتی <sup>۱۸</sup>			
فرایند بیانی <sup>۱۹</sup>				
فرایند رفتاری <sup>۲۰</sup>				
فرایند وجودی <sup>۲۱</sup>				

فرآیند مادی فرایندی است که اعمال فیزیکی را شامل می‌گردد؛ مانند دویدن، خراشیدن، نوشیدن، نشستن، شستن، ریختن، بریدن، پریدن، و... این فرایند بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین فرایند در نظام گذرایی است (Halliday, ۲۰۰۵، ۱۹۶-۱۷۹)

صوفی بیا که آینه صافی است جام را تا بنگری صفای می لعل فام را

- 1- Material
- 2- Doing
- 3- Happening
- 4- Creative
- 5- Transformative
- 6- Concrete
- 7- Abstract
- 8- Operative transitive
- 9- Perceptive transitive
- 10- Intentional
- 11- Involuntary
- 12- Mental
- 13- Relational
- 14- Intensive
- 15- Attributive
- 16- Identifying
- 17- Possessive
- 18- Circumstantial
- 19- Verbal
- 20- Behavioral
- 21- Existential

## بررسی انواع فرایندهای نقش‌اندیشگانی در غزلیات حافظ...

(دیوان حافظ: غزل ۷)

دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست      گفت با ما منشین کز تو سلامت برخاست

(همان: غزل ۲۱)

درحالی که بندهای مادی به تجربه ما از دنیای بیرون مربوط است، بندهای ذهنی به تجربه ما از دنیای خودآگاهی مربوط می‌گردد. فرایند ذهنی کنشی یا رخدادی را نشان نمی‌دهد بلکه بیانگر دنیای درون ماست که با فعل‌هایی نظیر فکر کردن، تصور کردن، دوست داشتن، آرزو کردن، خوشحال شدن، ناراحت شدن و ... می‌آید. در فرایند ذهنی دو شرکت‌کننده حس‌گر<sup>۱</sup> و پدیده<sup>۲</sup> وجود دارد. حس‌گر موجودی است ذی‌شعور که احساس می‌کند، فکر می‌کند و می‌بیند. پدیده چیزی است که احساس می‌شود، دیده می‌شود و فرایند تفکر درباره آن روی می‌دهد.

حالی‌ا مصلحت وقت در آن می‌بینم      که کشم رخت به میخانه و خوش بنشینم

(همان: غزل ۳۵۵)

بکوی میکده هر سالکی که ره دانست      دری دگر زدن اندیشه ی تبه دانست

(همان: غزل ۴۷)

حسن روی تو بیک جلوه که در آینه کرد      این همه نقش در آینه اوهام افتاد

(همان: غزل ۱۱۱)

فرایند رابطه‌ای از طریق فعل‌های رابطه‌ای و اسنادی انجام می‌گیرد که نشان دهنده رابطه اسنادی و هویتی دو پدیده است؛ اسنادی، رابطه حامل<sup>۳</sup> و مسند<sup>۴</sup> است: نان بیات است. هویتی، رابطه هویت‌بخش<sup>۵</sup> و هویت‌پذیر<sup>۶</sup> است و هر دو عنصر<sup>۷</sup> به یک چیز اشاره می‌کنند.

<sup>1</sup> - Sensor

<sup>2</sup> - Phenomenon

<sup>3</sup> - Carrier

<sup>4</sup> - Attribute

<sup>5</sup> - Identifier

<sup>6</sup> - Identified

<sup>7</sup> - Entity

( Thomson ، ۲۰۰۴ : ۹۸-۹۷) فرایند رابطه ای دارای سه نوع تأکیدی، موقعیتی و ملکی است که هر کدام دارای نوع اسنادی و هویتی می‌باشند: فرایند تأکیدی رابطه اسنادی ساده بین دو شرکت کننده است. مانند:

دهان شهد تو داده رواج آب خضر      لب چو قند تو برد از نبات مصر رواج  
بر آن چشم سیه صد آفرین باد      که در عاشق کشی سحر آفرینست  
(دیوان حافظ: غزل ۵۵)

در فرایند تأکیدی هویتی رابطه بین یکی به دیگری هویت می‌دهد و امکان جابه‌جایی هر دو وجود دارد.

گرچه ما بندگان پادشاهیم      پادشاهان ملک صبح گهیم  
گنج در آستین و کیسه تهی      جام گیتی نما و خاک رهیم  
(همان: غزل ۳۸۱)

فرایند موقعیتی شبیه فرایند تأکیدی است اما مفاهیم قیدی زمان، مکان، حالت، علت و ... دارد. در نوع اسنادی عنصر موقعیتی نقش مسند دارد و ویژگی یا نسبتی را به حامل می‌دهد.

از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی      سببش بندگی حضرت درویشان است  
(مشخصه و مفهوم مکانی)  
(همان: غزل ۴۹)

قد همه دلبران عالم      پیش الف قدت **چو نون** باد  
(حالت و چگونگی)  
(همان: غزل ۱۰۷)

در نوع هویتی، ارتباط میان دو شرکت کننده را با مشخصه زمان، مکان، حالت و علت نشان می‌دهد و یک شرکت کننده آن هویت بخش و دیگری هویت پذیر است.

بهشت اگرچه نه جای گناه کاران است      بیار باده که مستظهرم به همت او  
(همان: غزل ۴۰۵)

در فرایند ملکی، رابطه بین دو عنصر ملکی است، نوعی مالکیت وجود دارد، به طوری که یک عنصر مالک<sup>۱</sup> و دیگری مملوک<sup>۲</sup> است.

<sup>۱</sup> - Posseser

<sup>۲</sup> - Possesed

## بررسی انواع فرایندهای نقش‌انده‌نگانی در غزلیات حافظ...

آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست (دارد) چشم میگون، لب خندان، دل خرم با اوست (دارد)  
(همان: غزل ۵۷)

تفاوت اسنادی و هویتی در این است که در اسنادی مملوک عضوی از مالکیت مالک است، اما در هویتی مملوک با متعلق بودن به مالک شناخته می‌شود.

من نخواهم کرد ترک لعل یار و جام می زاهدان معذور **داریدم** که اینم مذهبست  
(همان: غزل ۳۱)

فرایند رفتاری، بیانی و وجودی فرایندهای فرعی است که در مرز فرایندهای اصلی قرار می‌گیرد. فرایند رفتاری مشخصاً به انسان مربوط می‌شود و شامل رفتارهای فیزیولوژیکی<sup>۱</sup> و روانشناختی<sup>۲</sup> است مانند: نفس کشیدن، سرفه کردن، خندیدن، در رؤیای رفتن، خیره شدن و ... (Halliday, ۲۰۰۵: ۲۴۸) شرکت کننده‌ای که رفتار از وی سر می‌زند «رفتارگر» نامیده می‌شود.

از بس که دست می‌گزم و آه می‌کشم آتش زدم چو گل به تن لخت لخت خویش  
(دیوان حافظ: غزل ۲۹۱)

فرایند بیانی فرایندی است میان فرایند ذهنی و رابطه‌ای. بندهای بیانی، بندهایی از نوع گفتن، پرسیدن، پاسخ‌دادن، شرح‌دادن و ... می‌باشد.

راز درون پرده ز رندان مست پرس کاین حال نیست زاهد عالی مقام را  
(همان: غزل ۵)

آخر به چه گویم هست از من خبری چون نیست

وز بهر چه گویم نیست با وی نظری چون هست

(همان: غزل ۲۷)

فرایند وجودی نشان می‌دهد که چیزی وجود دارد یا اتفاق می‌افتد؛ این فرایند وجود داشتن یک پدیده را بیان می‌کند، مانند:

این چه استغناست **یارب** وین چه قادر حکمت است

کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست

<sup>۱</sup> - Physiological

<sup>۲</sup> - Psychological

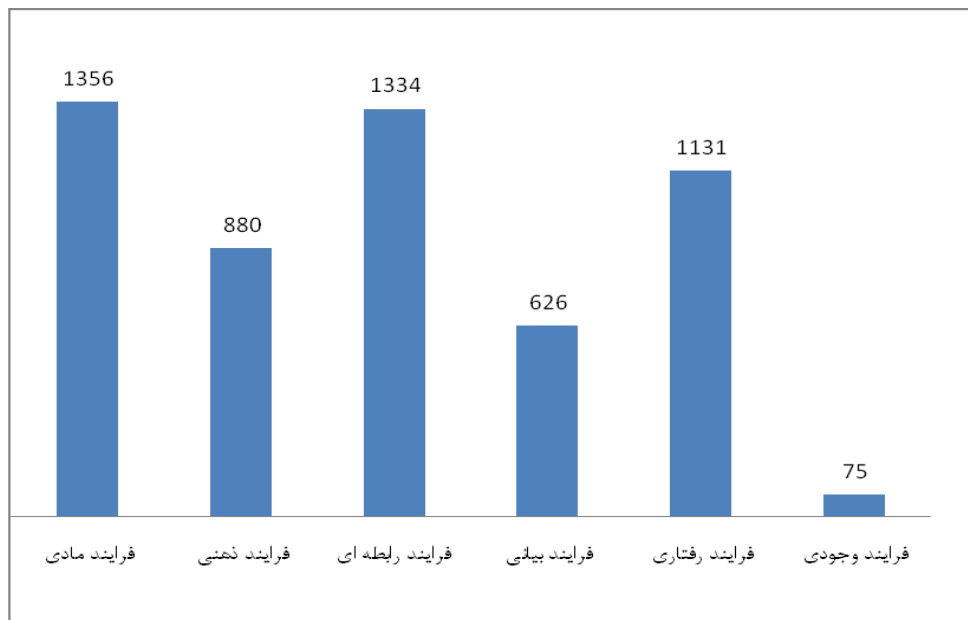
(همان: غزل ۷۱)

#### بحث

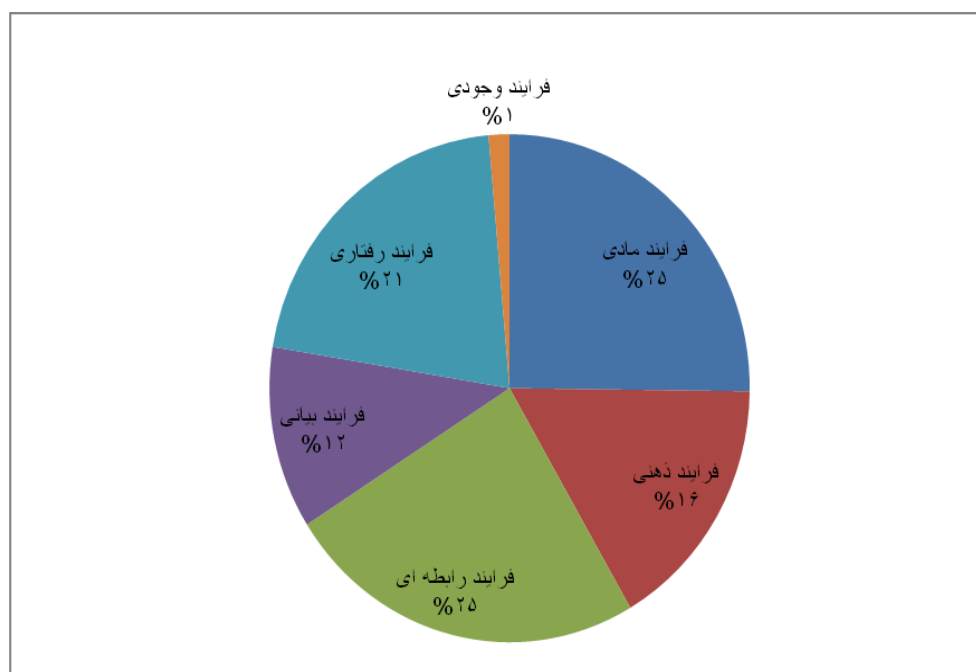
تحلیل فرایندهای نقش اندیشگانی در دیوان غزلیات حافظ، می‌تواند نوع فعل شناسی دیوان وی و فرایند شناسی دستور تجربی حافظ از دنیای ذهنی او باشد. در این بخش ابتدا نمودارهای فراوانی و درصدی انواع فرایندهای کلی مادی، ذهنی، رابطه‌ای و سه فرایند فرعی بیانی، رفتاری و وجودی ترسیم گردیده است و نمودارهای بعدی هر یک از فرایندهای مادی که به شیوه دوتایی مقابل هم قرار می‌گیرند؛ مانند کنشی / رخدادی، خلاق / گشتاری، عینی / انتزاعی، کنش گر / کنش پذیر، ارادی / غیر ارادی. نمودارهای محور انتزاعی نیز به سه دسته تأکیدی، ملکی، موقعیتی که به دو زیر دسته اسنادی و هویتی تقسیم می‌گردند.

باید خاطر نشان کرد که پژوهش مذکور مبتنی بر نظریه‌ای خاص از زبانشناسی تحت عنوان نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی بوده است که دنیای تجربی هر فرد یا صاحب اثری را می‌توان بر حسب نوع فعل‌هایی که به کار می‌برد ترسیم کرد. فعل شناسی در نظریه نقش‌گرا بر حسب نقش و معنی انجام می‌گیرد و تجربه‌ها به انواع اصلی مادی، ذهنی و انتزاعی تقسیم می‌شوند که در قالب فعل‌هایی از این نوع ابراز می‌شود. البته انواع فرایندهای فرعی نیز می‌تواند میزان فعل‌های گفتاری، رفتاری و وجودی که بیانگر روابط ذهنی و بینا پدیده‌ای، رفتارها و کردار و موجودیت پدیده‌ها است، دلالت داشته باشد. کاربرد این روش که در سبک شناسی شناختی مورد توجه است، می‌تواند در تشخیص گونه سبکی اشعار حافظ به منتقدین آشنا به زبانشناسی کمک کند.

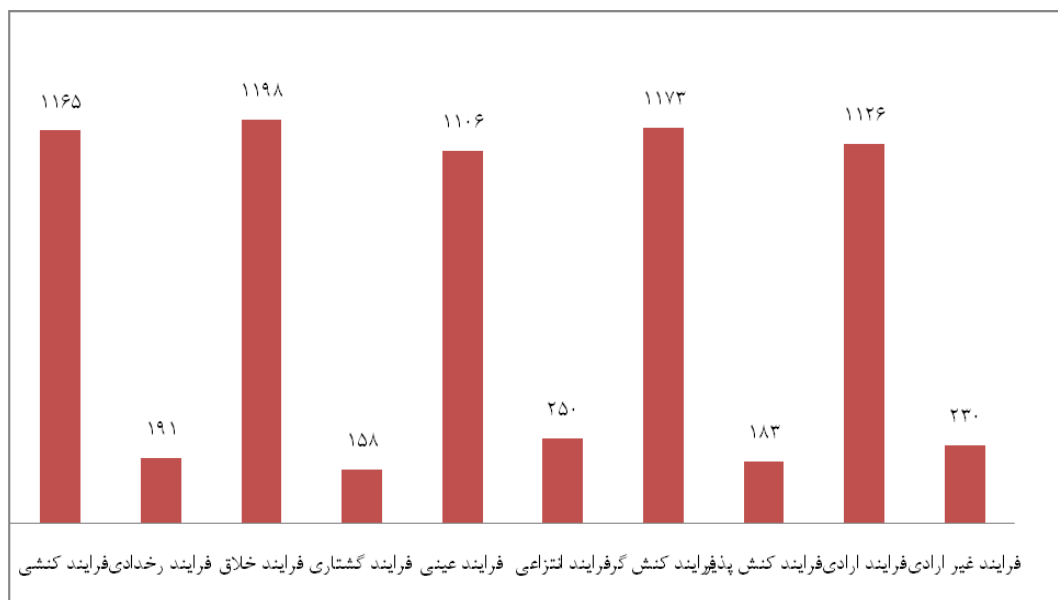
بررسی انواع فرایندهای نقش‌اندیشگانی در عزیمت حافظ...



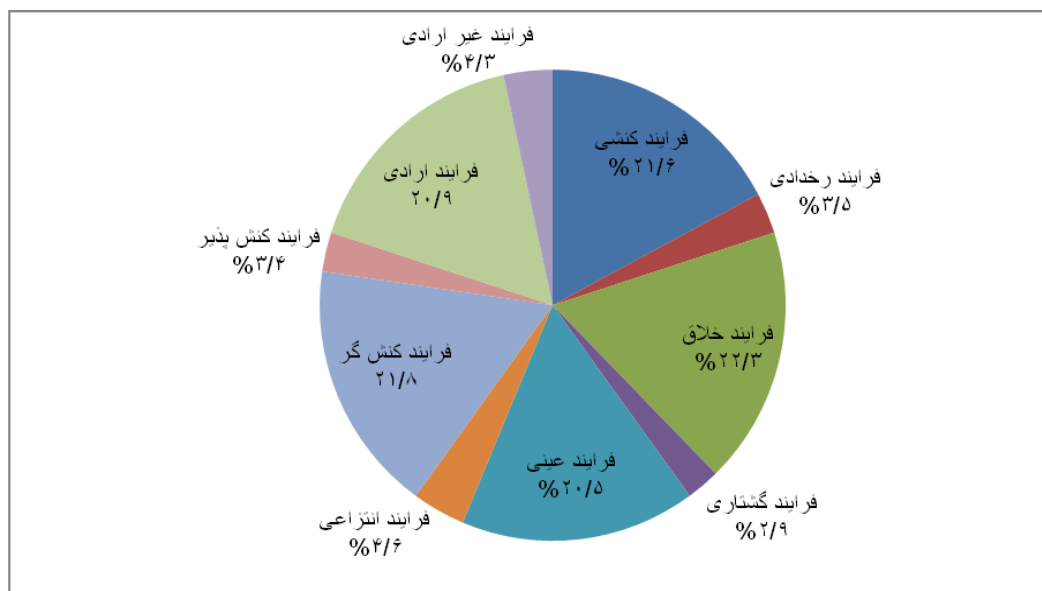
شکل ۱: نمودار فراوانی انواع فرایندهای اصلی و فرعی نقش‌اندیشگانی در دیوان حافظ



شکل ۲: نمودار درصدی انواع فرایندهای اصلی و فرعی نقش‌اندیشگانی در دیوان حافظ



شکل ۳: نمودار فراوانی انواع فرایندهای فرعی فرایند مادی نقش اندیشگانی در دیوان حافظ



شکل ۴: نمودار درصدی انواع فرایندهای فرعی فرایند مادی نقش اندیشگانی در دیوان حافظ

## بررسی انواع فرایندهای نقش‌انده‌نگانی در غزلیات حافظ...

با توجه به یافته‌های فوق در غزلیات حافظ و طبق نظریه هلیدی دنیای روابط انتزاعی شامل ۲۵٪ است دنیای روابط کنشی و فیزیکی نیز شامل ۲۵٪ و دنیای روابط خودآگاهی شامل ۱۶٪ می‌باشد. از این رو می‌توان گفت دنیای روابط کنشی و انتزاعی برابر است و دنیای روابط ذهنی یا خودآگاهی کمترین است. پس دنیای فکری حافظ از نظر عینی و انتزاعی متعادل است.

دنیای ذهنی دنیای خودآگاهی است اما دنیای انتزاعی دنیای ارتباط و نسبت پدیده‌ها است. فعل‌های ربطی مانند "است، بود، گشت و گردید" در دنیای روابط انتزاعی استفاده می‌شود. برای مثال در بیت «خم زلف تو دام کفر و دین است / ز کارستان او یک شمه اینست» (دیوان حافظ، غزل ۵۵) ویژگی زلف معشوق با فعل ربطی بیان شده است. در فعل‌های ذهنی به دنیای خودآگاهی و درونی اشاره می‌شود؛ مانند «دیدم به خواب خوش که به دستم پیاله بود / تعبیر رفت و کار به دولت حواله بود» (همان: غزل ۲۱۴) که در خواب دیدن و تعبیر کردن دو فعل ذهنی است. فعل‌های کنشی، کنش‌ها و عمل‌های فیزیکی و عینی را بیان می‌کنند؛ مانند "بیا" و "بیار" در بیت «بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است / بیار باده که بنیاد عمر بر بادست». از این رو می‌توان از طریق فرایندهای اصلی به **دنیاهای** متفاوت کنشی، ذهنی و انتزاعی ذهن شاعر از طریق نوع فعل‌های آن دست یافت.

با توجه به فرایندهای فرعی می‌توان گفت که کمترین درصد (۱٪) کل به فرایند وجودی تعلق دارد که نشانه این است که از وجودی و چیستی موجودات عینی مورد توجه نبوده است. همچنین فعل‌های بیانی با ۱۲٪ نشانه این است که اظهار، بیان و شرح پدیده‌های ذهنی یا انتزاعی زیاد مورد توجه نبوده است. فرایند رفتاری با ۲۱٪ بیانگر این است که در یک پنجم غزلیات به رفتارها و حالات توجه شده است.

فرایندهای فرعی شامل فعل‌های بیانی، رفتاری و وجودی است. برای مثال در مصرع: **گفتم غم تو دارم گفتا غمت سر آید** (همان: غزل ۲۳۱) «گفت» بیانگر چیزی و ارتباطی است؛ فعل‌های بیانی بیانگر ایده‌های ذهنی یا رابطه‌هایی است که از ارتباط پدیده‌ها در ذهن شکل می‌گیرد. فعل‌های رفتاری «بازی انگیخت» در مصرع «آه از آن نرگس جادو که چه بازی انگیخت» (همان: غزل ۱۴۱) نوع رفتار معشوق را نشان می‌دهد. فعل‌های «هست و وجود دارد»



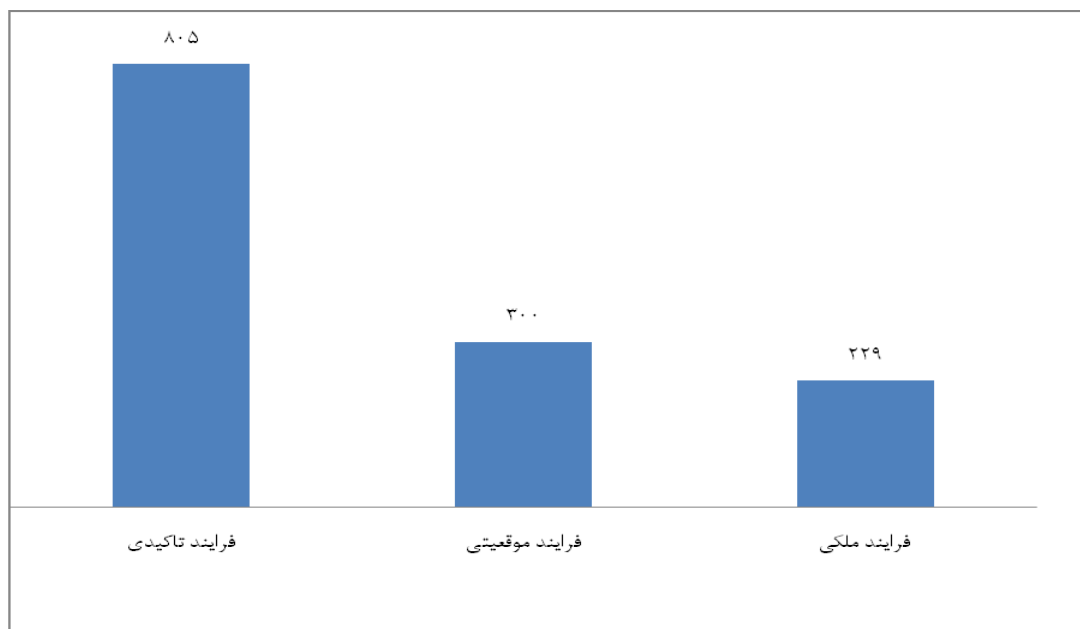
که وجود داشتن چیزی را می‌رسانند فعل وجودی هستند مانند؛ «روی تو کس ندید و هزارت رقیب هست» (همان، غزل: ۶۳). بنابراین فعل‌های فرعی نیز گفتار، رفتار و وجود داشتن چیزی را بیان می‌کنند.

فعل‌های اصلی و فرعی تمامی فعل‌هایی را که ما به کار می‌بریم در برمی‌گیرد. از این طریق می‌توان به فعل‌شناسی دیوان حافظ دست پیدا کرد. فعل‌شناسی در نظریه هلیدی بر نوع و نقش فعل تأکید کرده و مبنایی معنایی دارد و دنیا‌های متفاوت ذهنی، انتزاعی و کنشی یک اثر را نشان می‌دهد.

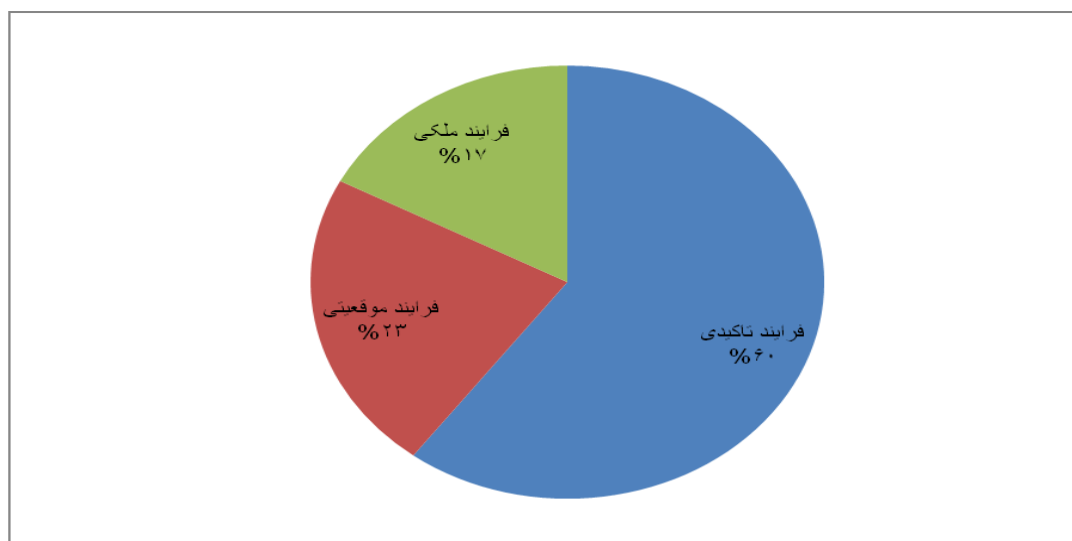
در میان انواع فرایندهای مادی، که ۲۵٪ کل را شامل می‌شوند، فرایند کنشی با ۲۱/۴٪ نشان می‌دهد که فعل‌های مادی که بر کنش دلالت می‌کرده از انواع رخدادی (۳/۵٪) که نشان دهنده اتفاقات و رخدادها است بسیار بالاتر بوده است. همچنین فرایند خلاق با ۲۲/۳٪ نشان می‌دهد آفرینش پدیده‌ها از فرایند شدن بسیار مهم‌تر بوده است. تفاوت درجه عینیت با ۲۰/۵٪ و کنش‌گری با ۲۱/۸٪ فعل‌های مادی دیوان حافظ نیز از جنبه انتزاعی بودگی و کنش‌پذیری آن قابل توجه است. موضوع ارادی بودن کنش‌ها با ۲۰/۹٪ نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. به طور کلی تفاوت دو جنبه کنش‌گری، عینی‌گرایی، آفرینش و ارادی بودن دنیای روابط کنشی غزلیات حافظ بر جنبه‌های کنش‌پذیری، انتزاعی بودن، تبدیل و ارادی بودن پدیده‌ها به لحاظ آماری معنی‌دار است.

یک مثال از دیوان حافظ می‌تواند تا حدی فرایندهای زیر مجموعه فرایند کنشی را نشان دهد. در مصرع «بیا و کشتی ما در شط شراب انداز» (دیوان حافظ، غزل ۲۶۳) «بیا» و «انداز» دو فعل مادی است که بر کنش دلالت می‌کند، خلاق است و چیزی جدید ایجاد می‌شود، ارادی است چون با اراده این کار صورت خواهد گرفت؛ عینی است چون به چشم دیده می‌شود و کنش‌گر است؛ زیرا که بر یک فعل معلوم دلالت می‌کند؛ بنابراین زیر مجموعه فعل‌های مادی نیز می‌تواند مؤلفه‌های معنایی خاصی از افعال مادی دیوان حافظ را به ما نشان دهد. کنش‌گری یا کنش‌پذیری بیانگر صدای فعال یا منفعل شاعر است، عینی‌گرایی نشانه میزان توجه به کنش‌های عینی بوده و خلاقیت میزان نو بودگی پدیده‌ها را بیان می‌کند. میزان ارادی فعل‌های مادی نیز از این طریق قابل تشخیص است.

بررسی انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در غزلیات حافظ...



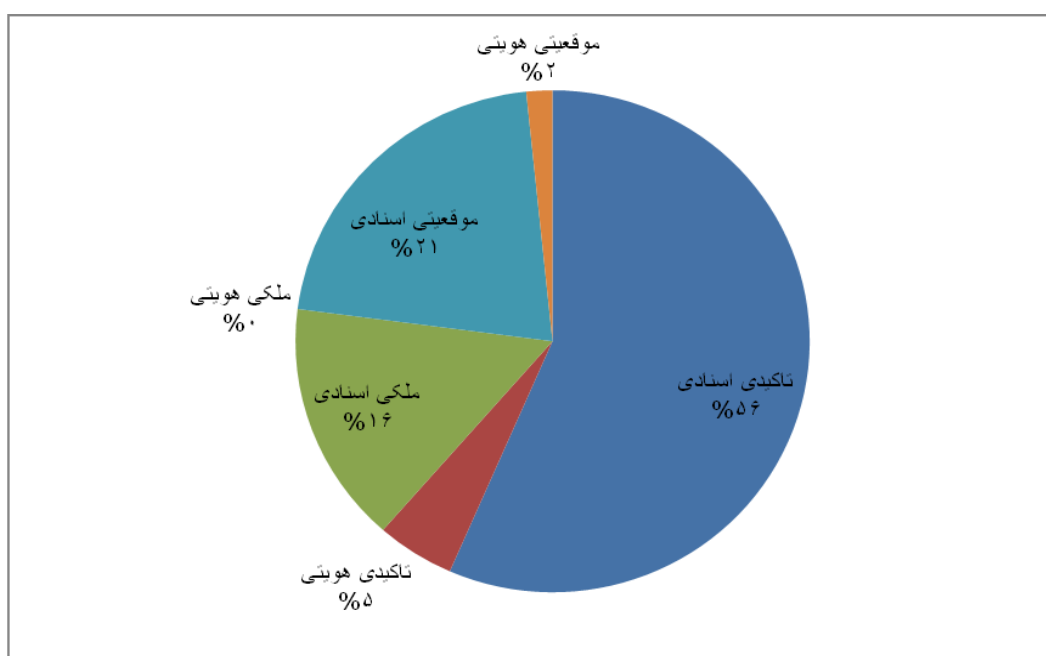
شکل ۵: نمودار فراوانی سه فرایند رابطه‌ای نقش اندیشگانی در دیوان حافظ



شکل ۶: نمودار درصدی سه فرایند رابطه‌ای نقش اندیشگانی در دیوان حافظ



شکل ۷: نمودار فراوانی انواع فرایندهای رابطه‌ای نقش اندیشگانی در دیوان حافظ



شکل ۸: نمودار درصدی انواع فرایندهای رابطه‌ای نقش اندیشگانی در دیوان حافظ

## بررسی انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در غزلیات حافظ...

از میان انواع فرایندهای رابطه‌ای نقش اندیشگانی، فرایند تأکیدی با ۶۰٪ بالاترین بسامد را دارا است. فرایند تأکیدی رابطهٔ مسند و نهاد را بدون مؤلفه‌های زمان، مکان، موقعیت، چگونگی و مالکیت نشان می‌دهد و صرفاً یک رابطهٔ ساده نسبت صفت و موصوف است که با فعل‌های ربطی «است، بود، شد، گشت و گردید» همراه است. مثال:

بر آن چشم سیه صد آفرین باد      که در عاشق کشی سحر آفرین است  
(دیوان حافظ، غزل ۵۵)

فرایند تأکیدی اسنادی به رابطهٔ ساده صفت و موصوف اشاره می‌کند بدون اینکه موقعیت و مالکیت را بیان کند. برای مثال در بیت «بیا که قصر امل سخت **سست بنیاد** است / بیار باده که بنیاد عمر بر باد است» (همان؛ غزل ۳۷). فعل است دو صفت بی‌بنیاد بودن را به قصر امل و برباد بودن را به بنیاد عمر نسبت می‌دهد. اما فعل رابطه‌ای تأکیدی از نوع هویتی یک رابطهٔ هویتی را نشان می‌دهد؛ برای مثال در مصرع "**پادشاهان** ملک صبح گهیم"، «ما» هویت‌پذیر و «پادشاه» هویت‌بخش است و فعل رابطه‌ای اسنادی هویتی را بیان می‌کند در حالی که فعل رابطه‌ای تأکیدی نسبتی را می‌رساند.

فرایند موقعیتی که نشان دهندهٔ زمان، مکان، موقعیت، حالت و چگونگی است با ۲۳٪ دومین بسامد را دارا است. در مثال‌های زیر بیت اول بر مفهوم مکان و دومی بر زمان دلالت دارد.

از کران تا به کران لشکر ظلم است‌ولی      از ازل تا ابد فرصت درویشان است  
(همان، غزل ۴۹)

دریغ مدّت عمرم که بر امید وصال      بسر رسید و نیامد بسر زمان فراق  
(همان، غزل ۲۹۷)

فرایند ملکی که بر مالکیت دلالت می‌کند، بیشتر با فعل داشتن و ترکیب اسمی بیان می‌شود اما گاهی فعل‌های ربطی نیز مفهوم مالکیت را می‌رسانند برای مثال:

روی تو کس ندید و هزارت رقیب هست      در غنچه‌ای هنوز و صدت عندلیب هست  
(همان، غزل: ۶۳)

این فرایند با ۱۷٪ کمترین درصد گروه رابطه‌ای را دارا است. به طور کلی رابطه ساده نسبت‌ها بالاترین بسامد را دارا می‌باشد و بعد رابطه‌های موقعیتی و ملکی در سطوح پایین‌تر قرار می‌گیرند. فرایندهای گونه اسنادی در هر سه گونه با گونه‌های هویتی از تفاوت معنی‌داری برخوردار است که نشان می‌دهد ارتباط هویت بخشی و هویت‌پذیری در ذهن حافظ مورد توجه نبوده است و نسبت ساده توصیفی رابطه‌ها به گونه برجسته‌تری مورد التفات بوده است. رابطه هویت بخشی از هویت و ماهیت مسند و مسندالیه حکایت می‌کند که یک طرف، آن را می‌دهد و طرفی دیگر می‌پذیرد.

گرچه ما بندگان پادشاهیم      پادشاهان ملک صبح گهیم  
گنج در آستین و کیسه تهی      جام گیتی نما و خاک رهیم  
(همان: غزل ۳۸۱)

### نتیجه گیری

هدف اصلی این مقاله کشف دنیای تجربی غزلیات حافظ، بررسی کارایی سبک‌شناسی نقش‌گرا در تحلیل متون ادبی و هدف فرعی نیز مقایسه انواع فرایندهای اصلی و فرعی نقش اندیشگانی در غزلیات حافظ بوده و مسأله اصلی تحقیق نیز کشف میزان عینی و ذهنی بودن غزلیات وی می‌باشد.

فرضیه‌های تحقیق عبارت است از اینکه با بررسی فرایندهای نقش اندیشگانی می‌توان به دنیای ذهنی، انتزاعی و عینی دستور تجربی غزلیات حافظ دست یافت، متغیرهای نقش اندیشگانی می‌تواند میزان ذهنی و عینی بودن و انتزاعی بودن غزلیات را نشان دهد و متغیرهای رابطه‌ای اسنادی و هویتی می‌تواند میزان هویت بخشی یا اسنادی بودن فرایندهای رابطه‌ای را بیان کند.

به طور کلی یافته‌ها و نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای نقشی اندیشگانی می‌تواند در بیان روابط معنایی - مفهومی فعل‌ها نقش مهمی ایفا کند و میزان ذهنی، تجریدی و مادی یا کنشی بودن ذهنیت یک فرد یا اثر را نشان دهد. بدین ترتیب کشف دنیای تجربی غزلیات حافظ که مسأله اصلی تحقیق بوده است نیز تا حدی ممکن شده است.

از آنجایی که روش پژوهش مقاله ترکیبی (کیفی - کمی) بوده است، تحلیل‌های کیفی و معنی‌شناختی افعال هنگام ثبت آن‌ها در جدول‌های ثبت که برای هر غزل به طور جداگانه طراحی شده بود، درج شده است و سپس توسط ایکسل محاسبه گردیده است. از این رو در بخش یافته، تنها به بسامدهای آماری حاصله اشاره شده است و تا حد امکان روش تحلیل کیفی غزل‌ها به صورت ابیاتی چند نشان داده شده است. بر اساس بسامدها می‌توان به طور کلی درباره دنیای غزلیات حافظ اظهار نظر کرد و زمینه‌ای جدید برای تأمل حافظ‌شناسان فراهم آورد. پژوهش‌های زبانشناختی هر چند نمی‌تواند انتظارات منقدین و ادیبان را تأمین کند اما می‌تواند دریچه‌ای جدید به سوی بازگشایی دنیای متون ادبی باز کند. قابل ذکر است با توجه به امکانات محدود سبک‌شناسی زبانشناختی نمی‌توان انتظار تأملات عمیق سبک‌شناسی ادبی را داشته باشیم.

### فهرست منابع و مآخذ

#### منابع فارسی

- ۱- جامی، عبدالرحمان، (۱۳۳۷)، *نفحات الانس*، به تصحیح و مقدمه و پیوست مهدی توحیدی پور، انتشارات کتاب فروشی محمودی: تهران.
- ۲- جهانگیری، نادر، (۱۳۷۸). *زبان بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه (مجموعه مقالات)*، تهران: انتشارات آگاه.
- ۳- حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد، (۱۳۹۱)، *دیوان*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ پنجم: انتشارات صفی‌علیشاه.
- ۴- حسن لی، کاووس، (۱۳۸۵)، *چشمه خورشید، بازخوانی زندگی، اندیشه و سخن حافظ شیرازی*، چاپ اول، انتشارات نوید: شیراز.
- ۵- خرماهی، بهاء‌الدین، (۱۳۶۷)، *ذهن و زبان حافظ*، چاپ سوم، نشر نو: تهران.
- ۶- -----، (۱۳۷۸)، *حافظ نامه*، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی: تهران.
- ۷- -----، (۱۳۶۹)، *مقاله «حقّ سعدی به گردن حافظ»*، ذکر چمیل سعدی، مجموعه مقالات به مناسبت هشتادمین سال تولّد سعدی، کمیسیون ملی یونسکو.
- ۸- زرّین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۹)، *از کوچه زندان*، چاپ نهم، انتشارات امیرکبیر: تهران.
- ۹- سرایی، حسن، (۱۳۷۲)، *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری*. تهران: سمت.
- ۱۰- غنی، قاسم، (۱۳۲۱)، *بحث در آثار و افکار و احوال حافظ*، بانک ملی ایران.
- ۱۱- فتوحی، محمود، (۱۳۹۰)، *سبک شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: انتشارات سخن.
- ۱۲- مشهور، پروین دخت، (۱۳۸۰)، *مقاله «رند حافظ و باوول تاگور»*، مجله علمی، پژوهشی دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۹: تهران.
- ۱۳- ملاح، حسین علی، (۱۳۶۷)، *حافظ و موسیقی*، چاپ سوم، انتشارات هیرمند: تهران.
- ۱۴- موحدزاده، منصور، (۱۳۷۰)، *دیوان سر حلقه رندان جهان حافظ شیرازی*، انتشارات پژوهش.

## منابع انگلیسی:

- ۱۵- Asher, Ron. (1995). *Encyclopedia of linguistics*, Elsevier under the Pergamon imprint.
- ۱۶- Geeraerts, Drik.(2006). *Cognitive linguistics: basic reading*, Berlin. New York.  
- Halliday, M. A.K. (2005). *An introduction to functional grammar*, New york: Edward Arnold.
- ۱۷- Halliday, M.A.K and Matthiessen, Christain.(2004). *An introduction to functional grammar*, Britain: Arnold.
- ۱۸- Simpson, P. (2004). *Stylistics: A Resource Book for Students*, London: Routledge.
- ۱۹- Strazny, Philipp.(2005). *Encyclopedia of linguistics*, an imprint of the Taylor and Francis Group, New York: Oxon.
- ۲۰- Tashakkori, A. and Teddlie, C .(2003). *Handbook of mixed methods in social and behavioral research*, first edition, Sage publication: Inc.
- ۲۱- Thompson, Geoff. (2004). *Introducing functional grammar*. Second edition, Oxford university press.
- ۲۲- Vyvyan, Evans and Green, Melanic.(2006). *Cognitive linguistics: an introduction*, Edinburg university press Ltd.